

تحلیل کاربست فعل حرکتی «أَنْزَلَ» در قرآن بر مبنای نظریه زبان‌شناختی تالمی

زهره بهروزی^۱

رسول بلاوی^۲

علی خضری^۳

چکیده

حرکت یک پدیده مهم و مؤثر در مفهوم‌سازی است که به‌واسطه فعل به عنوان یک گزاره پویا در جمله نمود پیدا می‌کند. لئونارد تالمی زبان‌شناس مطرح در حوزه زبان‌شناسی و معناشناسی شناختی، فعل حرکتی را حاصل چهار مؤلفه رویداد حرکتی، پیکر، مسیر و زمینه می‌داند. در قرآن کریم، فعل حرکتی (أَنْزَلَ) یک فعل مسیرنما و پویا است که به واسطه موضوعاتی که به نزول قرآن و رحمت بر مردم می‌پردازد، از بسامد بالایی برخوردار است. در این پژوهش، سعی بر این است تا کارکرد فعل حرکتی (أَنْزَلَ) در قرآن کریم را با استناد به علم زبان‌شناسی شناختی و نظریه حرکتی تالمی، مورد کاوش قرار دهیم. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد مطابق با معنای لفظی، فعل «أَنْزَلَ» مسیر نزولی و از بالا به پایین دارد. کنش‌گر تمامی شواهد فعل مسیرنما (أَنْزَلَ) یکسان است و حرکت نزولی توسط خداوند اتفاق می‌افتد. حرکت نزول کارکردی ذهنی دارد، بدین‌صورت که پیکرها به صورت موجودیتی عینیت یافته مسیری نزولی را به سوی زمینه، یعنی زمین و مخلوقات می‌پیمایند. از سوی دیگر، فعل (أَنْزَلَ) به دلیل وسعت معنایی و ارتباط معنایی حاشیه‌ای و کانونی آن انگاره‌ای شناختی را ترسیم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، زبان‌شناسی شناختی، طرحواره حرکتی، مقوله‌بندی شعاعی، فعل (أَنْزَلَ).

**تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۹

zohreh.behroozi@yahoo.com

r.ballawy@pgu.ac.ir

alikhhezri@pgu.ac.ir

۱- دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

۲- نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

۱ - مقدمه

زبان‌شناسی شناختی یکی از حوزه‌های علوم شناختی محسوب می‌شود که به بررسی زبان در دو شاخه دستوری و معنایی می‌پردازد. زبان‌شناسی شناختی به مطالعه زبان می‌پردازد زیرا «به وجود رابطه‌ای میان زبان انسان، ذهن، و تجارب اجتماعی و فیزیکی او باور دارد» (شریفی، ۱۳۸۸: ۲). لئونارد تالمی یکی از پیشگامان حوزه زبان‌شناسی شناختی است. تالمی معتقد است که «زبان، نظام مفهومی ما را با استفاده از طرحواره تصویری که حاصل درک جسمی شده‌اند، نشان می‌دهد» (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۵۲)؛ بدین صورت که بر اساس الگوی حرکت و طرحواره تصویری، به بررسی مفاهیم انتزاعی کلمات و نظام ساختاری کلمات می‌پردازد.

حرکت که یکی از ارکان تداوم طبیعت و حیات بشری محسوب می‌شود، در قالب گزاره فعل در تمامی زبان‌ها مفهوم‌سازی شده است. طبق نظریه‌های زبان‌شناسی شناختی «افعال حرکتی هنگامی که در معنی حقیقی به کار رفته باشند، حرکتی فیزیکی را بازنمایی می‌کنند که در مسیری که دارای مبدأ، طول مسیر، و مقصد است، صورت می‌گیرد» (گلفام و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۸). بر اساس نظریه‌های تالمی، فعل حرکتی دارای مؤلفه‌های اصلی پیکر، جزء حرکتی، مسیر، و زمینه است که این مؤلفه‌های حرکتی نقش مؤثری در تعیین معنای فعل و مفهوم‌سازی رویدادهای حرکتی دارند. از سوی دیگر تالمی معتقد است که زبان می‌تواند رویداد حرکتی را بر اساس دو مؤلفه حرکتی وقوع حرکت و عدم وقوع حرکت از هم تمایز دهد، بر این اساس رویداد حرکتی را با توجه به کیفیت وقوع آن به دو گونه انتقالی و خودشامل تقسیم می‌کند. (Talmy, 2000, 2: 135).

قرآن کریم از نمونه‌های شاخصی است که با تکیه بر مؤلفه‌های حرکتی، مفاهیم انتزاعی و غیر قابل حرکت را به صورت رویدادی حرکتی مفهوم‌سازی کرده است و به حوزه معنایی آن وسعت بخشیده است. از نمونه فعل‌های پرکاربرد، فعل حرکتی (أنزل) است که در زمره این پدیده زبان‌شناختی محسوب می‌شود. از این رو، به دلیل کارکرد دوگانه مادی و غیر مادی فعل (أنزل) و گستره معنایی آن، بر آنیم تا در این پژوهش به‌طور مشخص ابعاد حرکتی و معنایی باب (إفعال) از فعل حرکتی (أنزل) را بررسی کنیم؛ زیرا خداوند متعال در راستای اشاره کردن به شأن نزول قرآن کریم و یادآوری نزول رحمت و عذاب، بالغ بر ۱۲۰ مرتبه از این فعل حرکتی استفاده کرده است؛ هم‌چنین از سوی دیگر فعل (أنزل) حرکت از مراتب بالا به پایین را مفهوم‌سازی می‌کند که تأکیدی بر نقش کنش‌گر (خداوند) در این رویدادهای حرکتی است.

بنابراین، در این پژوهش سعی بر این است تا با روش توصیفی-تحلیلی، فعل حرکتی (أنزل) و مشتقات آن در باب (إفعال) را در قرآن کریم مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم، تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود:

- شاخصه‌های حرکتی چه نقشی در طرحواره حرکتی و مقوله‌بندی شعاعی فعل (أنزل) دارند؟
باتوجه به این پرسش‌ها، هدف پژوهش حاضر آن است که فعل مسیرنما (أنزل) را در قرآن کریم مورد کاوش قرار دهد؛ بنابراین به منظور شناخت فعل حرکتی، در ابتدا به شاخصه‌های فعل حرکتی و کارکرد آن در حوزه زبان‌شناسی شناختی اشاره‌ای گذرا خواهد شد و سپس طی محور طرحواره تصویری مؤلفه‌های فعل حرکتی (أنزل) و در محور مقوله‌بندی شعاعی چندمعنایی آن بررسی می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

با توجه به گسترش علم زبان‌شناسی شناختی و معناشناسی شناختی، در سال‌های اخیر مطالعات گسترده‌ای صورت گرفته است و در این راستا پژوهش‌هایی در باب فعل حرکتی و کارکرد آن در متون مختلف تألیف شده است. کتاب به سوی معنی‌شناسی شناختی، نوشته تالمی (۲۰۰۰ م) زبان‌شناس معروف در رشته زبان‌شناسی شناختی؛ وی در این کتاب پدیده حرکت را یکی از عناصر معنایی و مؤثر در مفهوم‌سازی می‌داند، و جریان‌های حرکتی در قالب فعل ساده و غیرساده ظهور می‌کند. کتاب معنی‌شناسی شناختی قرآن، تألیف علی‌رضا قائمی‌نیا (۱۳۹۰ ش)، که ایشان ضمن پرداختن به فضاهای ذهنی، مقولات معنایی، حرکت‌های خیالی در ساختار معنایی قرآن، در این کتاب تلاش کرده است تا اصول نقشه شناختی قرآن را ترسیم نماید. کتاب درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی، نوشته محمد راسخ مهند (۱۳۹۴ ش)، که بخش‌های سه‌گانه آن شامل: اصول و مفاهیم بنیادی زبان‌شناسی شناختی، نگاهی شناختی به معنی، نگاه شناختی به دستور است؛ مؤلف در این کتاب با بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و نظریات زبان‌شناسان مطرح در حوزه زبان‌شناسی شناختی و طرح مثال‌های کاربردی مباحث را برای خواننده ملموس می‌کند.

همچنین قرآن پژوهان و محققان در شاخه زبان‌شناسی شناختی از رویداد حرکت و همچنین فعل حرکتی در معناشناسی شناختی غافل نبوده‌اند و مطالعاتی در این حوزه تألیف کرده‌اند، از جمله: پایان‌نامه کارشناسی ارشد «تصویرپردازی‌های حرکتی در جزء اول تا دهم قرآن کریم» به تحقیق صغری بیاد (۱۳۹۵ ش)، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، پژوهشگر کوشیده است تا حرکت و میزان تأثیر آن در غنای تصاویر قرآن را بررسی کند و ایشان هفت گونه حرکت در آیات قرآنی را بررسی نموده است که

عبارتند از: حرکت افقی، سریع، کند، صعودی، نزولی، دورانی، و رفت و برگشتی. مقاله «تحلیل کارکرد افعال حرکتی در قرآن با رویکرد شناختی» نوشته فاطمه میرخالق‌داد و ولی‌الله حسومی (۱۳۹۷ ش) که در دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث به چاپ رسیده است؛ نویسندگان در این پژوهش نمونه‌هایی از افعال حرکتی مسیرنما و شیوه‌نما در قرآن کریم و نحوه مفهوم‌سازی رویدادها در آیات قرآن را با تکیه بر اصول معناشناسی شناختی مورد بررسی قرار می‌دهند. مقاله «افعال حرکتی در قرآن کریم از دیدگاه شناختی بررسی موردی (اتی)» به تحقیق نادیا دادپور و سید محمدرضا ابن‌الرسول و حدائق رضایی (۱۳۹۶ ش) که در مجله «دراسات فی اللغة العربیة و آدابها منتشر شده است؛ نویسندگان افعال حرکتی به کار گرفته در قرآن را در سه محور چندمعنایی‌ها، طرح‌واره‌های تصویری و مقوله‌بندی تقسیم می‌کنند و نتایج حاکی از آن است که فعل (اتی) چارچوب معنایی قاموسی را می‌شکند.

همان‌طور که اشاره شد، پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته است بیشتر تحقیقاتی در ابعاد گسترده بوده‌اند و علاوه بر زبان و ادبیات، تعداد پژوهش‌های زبان‌شناختی در باب کارکرد یک فعل حرکتی شاخص و پر بسامد محدود است. از سوی بسیاری از پژوهش‌گران در زمینه متون دینی و غیر دینی، بررسی‌ها در باب کارکرد مادی و ذهنی یک فعل حرکتی معین نادیده گرفته شده است، همان‌طور که به طور مشخص پژوهشی به منظور بررسی فعل حرکتی (أنزل) در قرآن کریم صورت نگرفته است. بنابراین، باتوجه به این‌که این فعل مسیرنما و مشتقات آن در قرآن کریم پر بسامد و از تعدد معانی برخوردار است؛ از این‌رو، برآنیم تا این فعل حرکتی را از منظر معناشناسی و زبان‌شناسی شناختی بررسی نماییم، لذا آنچه این جستار را متمایز می‌نماید تازگی موضوع است، با این امید که ماحصل آن مفید واقع گردد.

۳. فعل حرکتی و مؤلفه‌های آن

فعل یکی از عناصر مهم زبان محسوب می‌شود که همواره مورد توجه زبان‌شناسان شناختی بوده است؛ چرا که این گزاره یکی از شاخص‌ترین ابزارها در تصویرسازی حرکتی است. «فعل در راستای بیان نشاط، حرکت و رویدادهای زندگی، نقش مهمی در کلام ایفا می‌کند و از طریق ارتباط با سایر عناصر جمله کامل‌کننده معنای کلام است» (داود، ۲۰۰۲: ۳۲). این افعال حرکتی در زبان‌شناسی شناختی به دو نوع ایستا^۱ و پویا^۱ تقسیم می‌شود؛ بدین‌صورت که «افعال ایستا ناظر بر رخدادها یا

حالاتی هستند که در هیچ‌یک از مراحل خود دست‌خوش تغییر نمی‌شوند، برخلاف افعال پویا که اگر رخدادها یا حالاتی را که با آنها بیان می‌شوند، به مراحل مختلف تقسیم کنیم، هر مرحله آن با مرحله‌های قبل تفاوت دارد» (ابوالحسنی چیمه، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

در مفهوم‌سازی جریان حرکتی فعل، مؤلفه‌های جزء حرکتی^۲، پیکر^۳، زمینه^۴، و مسیر^۵ تأثیر بسزایی ایفا می‌کنند. بر اساس نظریه‌های لئونارد تالمی «یک رویداد حرکتی شامل یک جزء حرکتی است که با جهت‌گیری یک شیء نسبت به شیء دیگر و به صورت حرکتی یا ایستا نمود پیدا می‌کند و در این مسیر حرکتی، پیکر به سوی جسم دیگری به عنوان زمینه یا شیء مرجع حرکت می‌کند» (Talmy ۱۰۷)؛ بنابراین برای مفهوم‌سازی فعل حرکتی و اشاره به وقوع یک رویداد حرکتی، پیکر با طی مسیری مشخص از مبدأ به سوی زمینه حرکت می‌کند.

در این چهار مؤلفه اصلی فعل حرکتی، نوع مسیر انتقال پیکر از مبدأ به مقصد یکی از شاخصه‌های مؤثر در معنای فعل حرکتی محسوب می‌شود، بدین صورت که فعل حرکتی را بر اساس نوع حرکت، به دو نوع تقسیم می‌کند:

حرکت انتقالی^۶: به صورت انتقال پیکر از نقطه اول به نقطه دوم است.
حرکت خود شامل^۷: یعنی بازگشت پیکر به جایگاه اولیه خود پس از طی مسیری معین.

۴. طرحواره حرکتی فعل (أنزل)

فعل (أنزل) و مشتقات آن از سه حرف اصلی (ن ز ل) گرفته شده است و «نزل به معنای پایین آمدن از جهت بالا به سوی پایین و به معنای فرود آمدن است» (رک: ابن منظور، بی‌تا، ۱: ۶۵۷). طبق تعریف لغوی ارائه شده، فعل (أنزل) به معنای حرکت جسم و انتقال آن از مبدأ به سوی موقعیت مکانی دیگر است که با پدیده حرکت انتقالی در نظریه‌های تالمی مطابقت دارد؛ زیرا به عقیده تالمی فعل حرکتی انتقالی «شامل حرکت فعال شیء به زمینه آن است» (Talmy, 2000, 2: 135). قرآن کریم

1. Active
2. Motion
3. Figure
4. Ground
5. Path
6. Translational
7. Self-contained

که یک منبع غنی و ارزشمند دینی است، از این رویداد حرکتی بی‌بهره نبوده است و بسامد فعل حرکتی (أنزل) و مشتقات آن به بیش از ۱۲۰ مرتبه در قرآن می‌رسد.

شایان ذکر است این ماده حرکتی بر مبنای چهار مؤلفه اصلی حرکتی و بافت آیات قرآن، از لحاظ معنایی ابعاد گسترده‌ای یافته است؛ بدین صورت که این فعل حرکتی در بعضی از آیات تحت تأثیر عناصر حرکتی و هم‌چنین جادوی مجاورت با سایر کلمات، کارکرد حرکتی آن بین مادی و ذهنی متغیر است و طرحواره‌های متنوع ترسیم می‌کند. نظریه طرحواره‌های تصویری ابتدا در معنی‌شناسی شناختی مطرح شد و «طرحواره‌های تصویری ساختارهای معنی‌دار و جسمی شده‌ای هستند که حاصل حرکات جسم در فضای سه‌بعدی، تعاملات ادراکی و نحوه برخورد با اجسام هستند» (راسخ مهند، ۱۳۹۳: ۴۶). این مفاهیم انتزاعی و ساختار جسمی شده در فعل حرکتی (أنزل) با فرضیه شناخت جسمی شده پیکرهایی مانند مفاهیم و احکام که ذهنی هستند در ارتباط است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۴-۱. جزء حرکتی فعل (أنزل)

جزء حرکتی یکی از مؤلفه‌های اصلی در مفهوم‌سازی رویداد حرکتی است، «جزء حرکتی به معنای حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر است» (Talmy, 2000, 1: 27). این مؤلفه حرکتی به نوعی بیانگر رویداد حرکتی و مفهوم کلی حرکت است. از این‌رو، جزء حرکتی بدیهی‌ترین شاخصه حرکتی قلمداد می‌شود و نمی‌توان یک فعل حرکتی را بدون آن تعریف کرد.

واژه (أنزل) یک فعل حرکتی است که جزء حرکتی نزول و فرود آمدن در آن نهادینه شده است و در آیات قرآنی، فعل حرکتی (أنزل) به تنهایی مفهوم حرکت رو به پایین و نزولی را بیان می‌کند؛ بدین‌صورت که این جریان حرکتی در همه آیاتی که دربردارنده فعل (أنزل) است و به مسأله نزول احکام دین و رحمت الهی می‌پردازد، مشهود است. اما در مفهوم‌سازی این فعل حرکتی، علاوه بر جزء حرکتی مؤلفه‌های حرکتی دیگری هم در پرداختن به جریان فرود آمدن دخیل هستند.

مؤلفه‌های حرکتی	نمونه الگوی حرکتی در قرآن	تکرار مؤلفه‌های حرکتی در قرآن
جزء حرکتی + پیکر	(أَنْزَلْنَا آيَاتِ بَيِّنَاتٍ) (المجادله/ ۵)	۴۰
جزء حرکتی + زمینه	(كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ) (الحجر/ ۹۰)	۷۴

۸۶	(أنزلنا من السماء ماءً طهوراً) (الفرقان / ۴۸)	جزء حرکتی + مسیر + پیکر
۱۵	(أنزل إليك من ربك الحق) (الرعد / ۱)	جزء حرکتی + زمینه + مسیر + پیکر

همان‌طور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، جزء حرکتی در همهٔ الگوها و طرحواره‌های تصویری حضور دارد و در همهٔ این آیات به صورت یک عنصر جدایی ناپذیر، خبر از وقوع حرکت نزولی می‌دهد. همچنین با توجه به این‌که فعل به تنهایی مؤلفه‌های مسیر زمینه را مفهوم‌سازی می‌کند؛ از این‌رو مجاورت جزء حرکتی با مؤلفه‌های زمینه و مسیر^۱ صرفاً جهت تأکید بر مبدأ (از مراتب بالا) و مقصد (زمین و مخلوقات) است.

غرض از جمله (أنزلنا آیاتِ بَیِّنَاتٍ) فقط پرداختن به اهمیت پیکر یعنی درستی آیات و «راستگویی پیامبر و و صحت نشانه‌هایی که آورده است» (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۵: ۱۹۳). از سوی دیگر، در آیه (أنزل إليك من ربك الحق) فعل (أنزل) با تمام شاخصه‌های حرکتی خود ظاهر شده است؛ زیرا «از جمله دلائل بر وحدانیت پروردگار آیات قرآنی است که بتدریج بر تو نازل شده حق و حقیقت ثابت است و مسطوره علم ربوبی و از آن مقام شرف صدور یافته است» (حسینی، ۱۴۰۴، ۹: ۱۵۵). در این آیه به نظر می‌رسد که برای تأکید بر وحدانیت خداوند ذکر چهار مؤلفهٔ حرکتی یعنی تأکید بر نزول آیات و حق راستین از سوی خداوند و مراتب عالی به سوی مخلوقات شرط است.

۴-۲. پیکر فعل حرکتی (أنزل)

جریان حرکت توسط یک اسم انجام می‌شود که پیکر نامیده می‌شود. بر اساس نظریه تالمی، پیکر «یک شیء یا موجودیتی است که با طی کردن مسیر از پیش تعریف شده به سوی شیء مرجع_زمینه_ حرکت می‌کند» (Talmy, 2000, 2: 151). در شواهد قرآنی، فعل (أنزل) به همراه انواع مختلفی از پیکر

۱- لازم به ذکر است، با توجه به این‌که فعل حرکتی (أنزل) به تنهایی دو شاخصهٔ مسیر و زمینهٔ حرکت را مفهوم‌سازی می‌کند، اما به واسطهٔ ترکیب با حرف (من) مؤلفهٔ مسیر - مبدأ- و ترکیب با حروف اضافه (إلی) و (علی) دو مؤلفهٔ مسیر - مقصد حرکت- و زمینه را بازنمایی می‌کند. لذا به دلیل کارکرد دوجانبهٔ این دو حرف اضافه، ترکیب (أنزل+ إلی) و (أنزل+ علی) در آمار هر دو الگوی حرکتی (جزء حرکتی + زمینه) و (جزء حرکتی + مسیر) قرار گرفته است.

یا شیء حرکتی ظاهر شده است که حرکت نزولی انواع مختلفی از نعمت‌ها، معجزات، آیات و نشانه‌ها را نشان می‌دهد.

بررسی‌های صورت گرفته بر آیات قرآنی حاکی از این است که در تمامی شواهد، فعل (أنزل) یک فاعل واحد دارد؛ بدین صورت که به طور مستقیم خداوند از نزول پیکر خبر می‌دهد و یا مؤمنان درباره نزول پیکر توسط خداوند سخن می‌گویند که این موجودیت حرکتی متناسب با موضوع انواع مختلفی دارد. پیش از اشاره به مؤلفه پیکر لازم به ذکر است، به دلیل ساختار این فعل و متعدی بودن آن، پیکر و موجودیتی که حرکت توسط آن انجام می‌شود در نقش مفعول ظاهر می‌شود، همان‌طور که در آیه‌های زیر دیده می‌شود:

پیکر	آیات قرآنی
ماء	(اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً) (ابراهيم / ۳۲)
جنوداً	(أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُوداً) (التوبة / ۲۶)
لباساً	(يا بني آدم أنزلنا عليكم لباساً) (الأعراف / ۲۶)

خداوند متعال در این آیات قرآن به نزول رحمت و نعمت خویش بر بندگان اشاره می‌فرماید. با توجه ساختار ترکیبی کلمات، در تمامی این آیات اسم (الله) فاعل فعل حرکتی (أنزل) است که به عنوان یک کنش‌گر، عامل حرکت پیکر تلقی می‌شود. از سوی دیگر با توجه به تعریف تالمی، اسم‌های (ماء، جنود، و لباس) پیکر یا به عبارتی موجودیتی هستند که قابلیت حرکتی دارند. (ماء) در جمله (أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً) در قالب پیکر و به صورت باران و عامل حیات‌بخش به سوی زمین خشک می‌بارد؛ هم‌چنین در جمله (أَنْزَلَ جُنُوداً) و (أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاساً) اسم (جنوداً) و (لباساً) پیکرهایی هستند که توسط خداوند و به سوی زمینه و مرجع یعنی (زمین و مخلوقات) در حال جابه‌جایی و حرکت هستند. از سوی دیگر، در برخی از شواهد قرآنی، فعل حرکتی کارکردی ذهنی و غیر محسوس دارد و مفاهیم و احکام دینی به صورت انتزاعی مفهوم‌سازی شده‌اند:

پیکر	آیات قرآنی
الکتاب	(أَنْزَلَ إِلَيْنَا الْكِتَابَ) (النساء / ۱۰۵)
التوراة والإنجيل	(أَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ) (آل عمران / ۳)

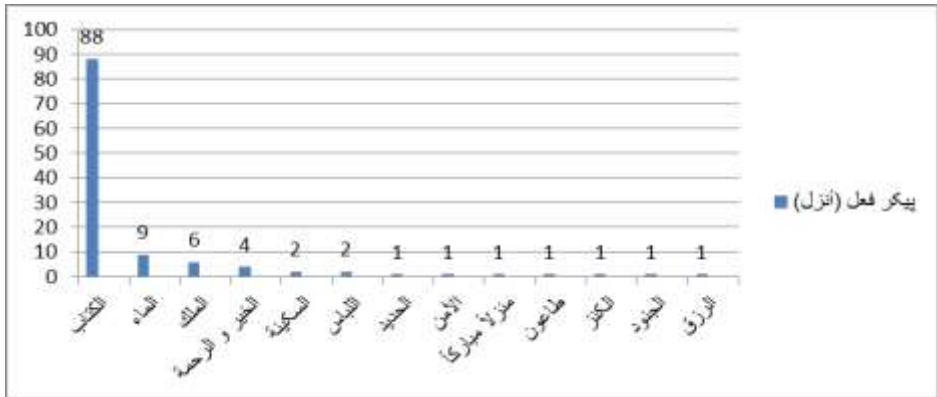
نزول کتاب‌های آسمانی به سوی مردم یکی از موضوعات پربسامد در قرآن کریم است که در این جملات خبری، بر ارسال کتاب‌های آسمانی تأکید می‌شود و کتاب به صورت پیکر و یک جسم حرکتی متصور می‌شود، بدین صورت که فعل (أنزل) از نزول کلام خداوند و مفاهیم آسمانی به عنوان جسمی فیزیکی با قابلیت جابه‌جایی خبر می‌دهد.

بنابراین در جملاتی که فعل حرکتی (أنزل) به صورت یک فعل معلوم است، پیکر نقش مفعول دارد. علاوه بر این ساختار ترکیبی، در برخی از آیات قرآنی فعل مجهول است و پیکر در قالب نائب فاعل ظاهر شده است، مانند آیاتی که در جدول زیر دیده می‌شود:

پیکر	آیات قرآنی
کنز	(لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ كَنْزًا) (هود/ ۱۲)
النور	(اتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ) (الأعراف/ ۱۵۷)

در این آیات فعل حرکتی با ساختاری متفاوت و به صورت مجهول ذکر شده است. از این رو فعل (أنزل) بدون استناد به کنش‌گر، به (کنز) و (النور) تحت عنوان پیکر استناد می‌کند و توجه مخاطب معطوف به حرکت پیکر می‌شود. منظور از پیکر (کنز) «توقعاتی است که از آن حضرت داشتند؛ اگر صادق و مصدق چرا گنج طلا بر تو نازل نمیشود؟ که بفقر و تنگ‌دستی معیشت می‌کنی؟» (طیب، ۱۳۷۸، ۷: ۱۸). همچنین در جمله (النور الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ) به سبب ارجاع فعل (أنزل) به (النور)، این اسم به عنوان یک جسم انتزاعی با قابلیت حرکتی قلمداد می‌شود که به سوی پیامبر، حرکت نزولی داشته است؛ از این رو که «نور دلالت بر قرآن، همان معجزه بزرگ و جاودانه می‌کند، که به صورت استعاری و تشبیه قرآن به نور ذکر شده است» (ابوزهره، بی تا، ۶: ۲۹۷۴).

باتوجه به این‌که مؤلفه پیکر در ۱۲۶ مورد به همراه فعل (أنزل) ذکر شده است و حضور گسترده‌ای را در این طرحواره‌های تصویری ایفا می‌کند، از این رو برآن شدیم تا در قالب نمودار بسامد مؤلفه پیکر و انواع آن را نشان دهیم:



هرچند که در برخی موارد به صورت کلی و در قالب اسم موصول (ما) ذکر شده است که مشخصاً بیانگر کارکرد مادی یا ذهنی پیکر نیست، اما بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که (الکتاب) پرتکرارترین پیکر در این جریان حرکتی است و خداوند متعال مکرراً نزول احکام و دستورات دینی را به بندگان مومن و مومن خویش یادآوری می‌کند. در همه این آیات، کلام خداوند و احکام دینی پیکرهایی ذهنی هستند که تحت تاثیر طرحواره‌های حرکتی و تصور جسمی‌شدگی آن‌ها، سیر نزولی را به سوی انسان‌ها-اعم از مسلمین و اهل کتاب- طی می‌کنند.

۳-۴. مسیر فعل حرکتی (أنزل)

یک فعل حرکتی ممکن است در بردارنده مفهوم جهت حرکت باشد و سه شاخصه طول زمان، نقطه مبدأ و مقصد را نشان دهد. «به طور مشخص، یک جمله حرکتی با یک عبارت یا نوع متن معین، نشان می‌دهد که مدت زمان محدود با یک نقطه شروع و یک نقطه پایان در حرکت صرف شده است که این حرکت در یک محدوده محدود از فضا اتفاق می‌افتد» (Talmy, 2000, 1: 54). مؤلفه «مسیر گاهی در ریشه فعل و گاهی در تابع‌ها یا گروه‌های حرف اضافه (قمر) بیان می‌شود و در صورتی که مسیر در ریشه فعل بازنمایی شود، افعال مسیرنما به دست می‌آیند» (میرخالقداد و حسومی، ۱۳۹۷: ۱۰۹).

فعل حرکتی (أنزل) یک فعل حرکتی مسیرنما محسوب می‌شود که مسیر حرکت در فعل مفهوم‌سازی شده است؛ اما با این حال، این فعل (۸۶ مرتبه) با حروفی که بیانگر مبدأ و یا مقصد مسیر است همراه می‌شود و به مفهوم‌سازی فعل کمک می‌کند و (۴۰ مرتبه) به تنهایی و بدون همراهی حروف اضافه مسیرنما، نقطه آغازین و پایانی مسیر را بازنمایی می‌کند، مانند این آیات قرآنی که فعل (أنزل) به تنهایی مسیر را نشان می‌دهد:

آیات قرآنی	مسیر
(ما أنزلَ اللهُ بها من سلطان) (یوسف / ۴۰)	فعل مسیرنما بدون حرف اضافه (قمر)
(أنزلَ التوراةَ والإنجیلَ) (آل عمران / ۳)	فعل مسیرنما بدون حرف اضافه (قمر)
(قیلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا ما أنزلَ اللهُ) (البقره / ۱۷۰)	فعل مسیرنما بدون حرف اضافه (قمر)
(إذا أنزلتُ سورةً) (التوبه / ۸۶)	فعل مسیرنما بدون حرف اضافه (قمر)

همانطور که ملاحظه می‌شود فعل (أنزل) بدون همراهی با قمر ظاهر شده است، با این پشتوانه که مؤلفه مسیر و سیر نزولی از بالا به پایین در فعل مفهوم سازی شده است به این معنا که «انزال نقل چیزی باشد از جهت علو به سفلی» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ۵: ۵۵). همچنین از سوی دیگر، با توجه به اینکه در تمام آیات کنش‌گر فعل (أنزل)، خداوند متعال است و نزول پیکرها یعنی: (سلطان)، (التوراة والانجیل)، (ما)، (سوره)، آیات و نشانه‌ها از مقام شامخ ربوبیت آغاز می‌شود؛ بدین‌گونه فعل به تنهایی دلالت بر مبدأ و مقصد می‌کند و مبین این مسأله است که پیکر از جانب اعلیٰ به اسفل و بر عالم ادنی فرود می‌آید.

هرچند که فعل (أنزل) به تنهایی مفهوم مسیر را می‌رساند، اما در (۸۶) حرکت نزولی، فعل (أنزل) با حروف اضافه مسیرنما ترکیب شده است و با ذکر نقطه آغازین و پایانی بر طرحواره حرکتی تاکید می‌کند. به طور کلی این فعل حرکتی به همراه قمر یعنی: (من + إلی) و (من + علی) ترکیب شده است:

تکرار الگوی حرکتی مسیر در قرآن	شواهد قرآنی	الگوی حرکتی مسیر
۳۳	(أنزلنا إلیکم نوراً مبیناً) (النساء / ۱۷۴)	فعل مسیرنما + قمر (إلی: مقصد)
۱۲	(أنزلَ من السماء ماءً) (البقره / ۲۲)	فعل مسیرنما + قمر (من: مبدأ)
۷	(تلك آیاتُ الكتابِ والذی أنزلَ إلیک من ربِّک الحقُّ) (الرعد / ۱)	فعل مسیرنما + قمر (إلی: مقصد / من: مبدأ)

فعل (أنزل) یک فعل انتقالی از مسیر بالا به پایین است که در (۱۲) نمونه از جریان‌های حرکتی، مسیر و انتقال از مبدأ را با قمر (مِن) که دال بر آغاز است بازنمایی می‌کند؛ «مشهورترین و پرکاربردترین وجه معنایی برای حرف (مِن)، ابتدای غایت است، از این رو که بازگشت سایر معانی آن به این معنای کانونی است» (سلمان، ۲۰۰۳: ۲۱۱). به نظر می‌رسد که هدف از این تکرار لفظی و ذکر حرف اضافه (مِن) تاکید بر مبدأ و ذات اقدس الهی است؛ همان‌طور که در (من السماء) و (من رینک) ذکر شده است و «منظور از (من السماء)، نزول از جهت بالا است» (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴، ۳: ۷۴). از سوی دیگر فعل حرکتی با (إلی) ترکیب می‌شود که دال بر مقصد و نقطه پایانی نزول و به معنای «انتهای زمانی و مکانی غایت است» (سلمان، ۲۰۰۳: ۳۸)؛ مفسرین به این قمر مسیرنا از این زاویه می‌نگرند که «نزول به (إلی) متعدی می‌شود و معنای آن منتهی شدن به زمین و مخلوقات است» (ر ک: میرزا خسروانی، ۱۳۹۰، ۲: ۳۱). بدین گونه که در این آیات پیکر از مبدأ که علو درجات است به زمین خشک، مؤمنان، و حضرت محمد^(ص) منتهی می‌شود. علاوه بر این ترکیب، در ترکیبی دیگر فعل حرکتی (أنزل) مسیر را با حرف اضافه (مِن) و (علی) مسیر را بازنمایی می‌کند:

تکرار الگوی حرکتی مسیر در قرآن	شواهد قرآنی	الگوی حرکتی مسیر
۲۶	(هو الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ) (آل عمران / ۵۳)	فعل مسیرنا + قمر (علی): مقصد)
۸	(قَالَ عِيسَى رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ) (المائدة / ۱۱۴)	فعل مسیرنا + قمر (علی): مقصد / مِن: مبدأ)
	(قَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٍ مِنْ رَبِّهِ) (العنكبوت / ۵۰)	

در این فعل پویایی و حرکت انتقالی قرآن، وحی، و خوراکی از سوی خداوند به سوی حضرت محمد^(ص)، حواریون تحقق یافته است؛ بدین صورت که علاوه بر دلالت فعل مسیرنا بر مفهوم حرکت نزولی پیکرها، مجدداً انتقال نزولی پیکر با حروف (مِن)، و (علی) بازنمایی شده است. مفسرین در باب ترکیب فعل (أنزل) با قمر (إلی) و (علی) معتقدند مشخصاً در آیاتی که درباره نزول وحی و کتاب‌های آسمانی است «هنگامی که وحی از بالا نازل می‌شود و به پیامبر منتهی می‌شود، فعل با حرف (إلی)

ترکیب می‌شود که دال بر انتهای مسیر است. همچنین در برخی آیات با حرف (علی) و به معنای استعلا ظاهر می‌شود که صورت دوجبه‌ی عمل می‌کند و گاهی بر (إلی) و گاهی بر (علی) دلالت می‌کند» (آل‌غازی، ۱۳۸۲، ۵: ۳۶۲). بنابراین طرحواره تصویری (أنزل) به همراه دو قمر (إلی) و (علی) به صورت فرود آمدن پیکر از بالا به پایین است، با این تفاوت که (علی) به واسطه مفهوم لفظی آن، مفهوم استعلا و نزول از بالا را بیشتر بازنمایی می‌کند.

۴-۴. زمینه فعل حرکتی (أنزل)

در یک رویداد حرکتی، شیء حرکتی مسیری مشخص را به سوی نقطه از پیش تعیین شده می‌پاید که این مقصد در تعریف تالمی زمینه نامیده می‌شود. «این مؤلفه حرکتی مکانی است که مرجع و یک نقطه برای اشغال رویداد است» (Talmy, 2000, 1: 68). شاخصه زمینه به‌طور ضمنی از معنای فعل استنباط می‌شود و یا مانند فعل حرکتی (أنزل) که این شیء مرجع و زمینه به صورت بیرونی و لفظی به همراه فعل ذکر می‌شود. (رک: گلفام و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۴).

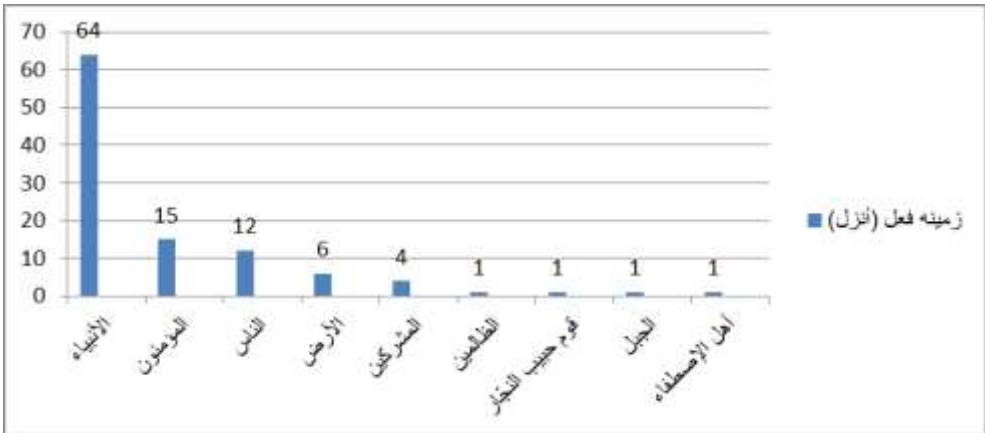
در تمامی شواهد قرآنی، پیکرها مقصدهایی از پیش تعیین شده دارند و مسیر منتهی به زمینه را به صورت نزولی طی می‌کنند. در جدول زیر برخی از پربسامدترین زمینه‌های فعل (أنزل) مشاهده می‌شود:

زمینه	آیات قرآنی
حضرت محمد (ص)	(أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ) (البقره/ ۹۹)
مسلمانان	(أَمَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ) (العنكبوت/ ۴۶)
اهل کتاب	(إِنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ) (المائدة/ ۶۶)

در این آیات قرآنی، آیات و معجزات الهی، قرآن کریم، انجیل و تورات پیکرهایی هستند که به صورت انتزاعی مفهوم‌سازی شده‌اند. پیکرها در رویداد حرکتی نزولی با قمر (إلی) که منتهی به غایت است بازنمایی می‌شوند؛ بدین‌گونه که این آیات و معجزات الهی منتهی به حضرت محمد (ص)، و کتاب‌های آسمانی به مسلمانان، مسیحیان و یهودیان می‌رسند.

زمینه	آیات قرآنی
مؤمنان	(أَمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجِهَ النَّهَارِ) (آل عمران / ۷۲)
زمین	(تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أُنزِلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ) (فصلت / ۳۹)
مردم	(أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَ وَالسَّلْوَى) (الأعراف / ۱۶۰)

همانطور که ملاحظه می‌شود، فعل (أنزل) با حرف مسير نما (علی) ترکیب شده است و مفهوم استعلاء و جریان حرکتی از بالا به پایین را که در فعل حرکتی مفهوم‌سازی شده است، تکرار می‌کند. در این آیات نقطه‌نهایی و زمینه انسان‌ها و زمین است؛ بدین گونه که کلام خداوند، آب، و مانده‌های آسمانی در قالب پیکر مسیر را از بالا از پایین طی می‌کنند تا به زمینه و مرجع حرکت برسند. شواهد فوق‌الذکر برخی از زمینه‌های پربسامد در طرحواره‌های تصویری (أنزل) بودند که به سبب اهمیت و تأکید بر مقصد حرکت، به تفکیک بررسی شدند؛ اما علاوه بر این موارد، فعل (أنزل) و حرکت نزولی مسیر را به سوی زمینه‌ها و مرجع‌های دیگری طی می‌کند که در این نمودار دیده می‌شود:

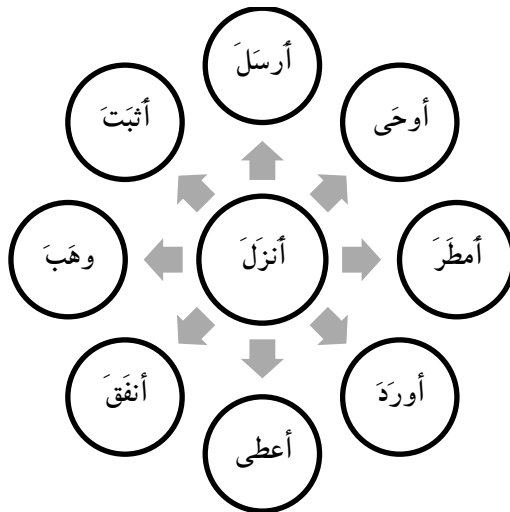


باتوجه به این که (۷۴) مرتبه زمینه فعل (أنزل) توسط قمر (إلی) و (علی) بازنمایی شده است، اما اضافه بر این آمار، زمینه‌ها و مرجع‌های دیگری هستند که به صورت لفظی و صریح ذکر نشده‌اند. طی بررسی آیات در تفسیرهای متعدد، زمینه و مرجع‌های فعل (أنزل) را بررسی کردیم که نشان می‌دهد، پیامبران الهی به ویژه (حضرت محمد^(ص)) در ۲۵ الگوی حرکتی، (حضرت موسی^(ص))، و (حضرت

عیسی^(ص)، مؤمنان و زمین پرتکرارترین زمینه و مرجع برای فعل حرکتی (أنزل) هستند. اما این رخداد حرکتی مرجع‌ها و زمینه‌های دیگری هم می‌پیماید که بنا به کم‌شمار بودن آن‌ها به این جدول اکتفا کردیم. بنابراین، فعل حرکتی (أنزل) یک فعل پویا و انتقالی است که وجه حرکتی آن مهم‌ترین کارکرد را در قرآن کریم دارد و به طور کلی، وجه غالب آن پرداختن به مؤلفه‌های حرکتی و اشاره به مسیر نزول کتاب‌های آسمانی و نعمت و عذاب الهی است که به واسطه کنش‌گر (خداوند)، مسیر را طی می‌کند و از آسمان به سوی مرجع و مخلوقات حرکت می‌کند.

۵. چندمعنایی فعل حرکتی (أنزل)

معمولاً هر واژه بیش از یک معنا دارد و در دیدگاه معناشناسی شناختی اصطلاح چندمعنایی به واژگانی اطلاق می‌شود که دارای معانی متعدد هستند که برخی از این معانی حاصل هم‌نشینی با سایر واژگان و تحت تأثیر بافت کلام است. در نظریه‌های معناشناسی واژگانی شناختی، چندمعنایی بر مبنای نظریه مقوله‌بندی شعاعی بررسی می‌شود. «مقوله شعاعی مقوله‌ای مفهومی است که در آن چند مفهوم در ارتباط با یک مفهوم مرکزی یا سرنمونی سازمان‌بندی شده‌اند؛ باید در نظر داشت که این انگاره نحوه ارتباط میان معانی مختلف واژه را نشان می‌دهد و این معانی حاصل استفاده از استعاره مفهومی و انتقال طرحواره‌های تصویری‌اند» (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۱۱۰). در قرآن کریم فعل حرکتی (أنزل) نمونه یک فعل پویا و انتقالی محسوب می‌شود که از چندمعنایی برخوردار است و تعدادی معانی حاشیه‌ای دارد.



فعل (أنزل) یک فعل رویدادی است که از جریان حرکت خبر می‌دهد و شاخصه‌های جزء حرکتی، مبدأ، مسیر، و زمینه در مفهوم‌سازی فعل نقش مهمی را ایفا می‌کنند. نمودار بالا، یک انگاره مقوله شناختی را نشان می‌دهد که فعل (أنزل) و معنای اصلی و سرنمونی در مرکز است به همراه تعدادی مفاهیم حاشیه‌ای که در نهایت این واژه چندمعنایی یک شبکه معنایی را تشکیل می‌دهد. در ادامه به تفکیک مفاهیم حاشیه‌ای فعل حرکتی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۵-۱. أرسل

فعل (أرسل / فرستاد) یک فعل حرکتی انتقالی است که بر خلاف فعل مسیرنما (أنزل) مؤلفه مسیر و جهت انتقال در آن مفهوم‌سازی نشده است. در بسیاری از شواهد قرآنی مانند آیه شریفه (وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا) (البقره / ۱۷۰)، و یا آیه شریفه (لَوْ لَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا) (الفرقان / ۷) مفسرین فعل مسیرنما (أنزل) را بدین معنا تعبیر کرده‌اند و ارجحیت با مفهوم حرکت فرستادن است؛ بدین صورت که ارتباط دو مفهوم در رویداد حرکت و تغییر موقعیت پیکر (قرآن و ملائکه) توسط کنش‌گر (خداوند) به سوی زمینه (مشرکین و حضرت محمد^(ص)) تجلی پیدا می‌کند و مؤلفه مسیر نادیده گرفته می‌شود.

۵-۲. أوحى

در قرآن کریم، آیاتی که به موضوع نزول می‌پردازد به پیکرها و موجودیت‌هایی اشاره می‌شود که توسط خداوند و به سبب رحمت و یا غضب الهی بر مخلوقات نازل می‌شود. در آیاتی که به نزول کلام خداوند و به طور مشخص، به نزول قرآن کریم اشاره شده است فعل حرکتی (أنزل / فرود آمد) به معنای (أوحى) است؛ در فرهنگ لغت «(وحى) در زبان به معنای پنهانی اعلام کردن است، از این‌رو (الهام کردن) را (وحى) گویند؛ (أوحى [وحى] إليه): یعنی به سوی فلانی اشاره کرد، با او پنهانی سخن گفت» (ابن منظور، بی تا، ۱۵: ۳۸۱).

مفسرین در تفسیر آیاتی که به نزول قرآن می‌پردازد، درباره معنای (أنزل) و دلالت آن بر (أوحى) اتفاق نظر دارند. آیه مبارکه (إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ) (النساء / ۱۰۵)، آیه (وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ) (الأنعام / ۱۵۵) و همچنین آیه (أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ) (البقره / ۲۸۵) از جمله شواهدی هستند که مراد از نزول، جریان (وحى) است که اتفاق می‌افتد و «خداوند متعال علوم و

معارفی که نور و هدایتی آشکار است را بر پیامبر وحی می‌کند و معارف ربانی را به پیامبر می‌آموزد» (جزایری، ۱۴۱۶، ۱: ۵۳۹). در حقیقت، آنچه که دو معنای کانونی و حاشیه‌ای را در این آیات به یکدیگر پیوند می‌دهد مسیر حرکت در دو جریان حرکتی نزول و وحی است، بدین صورت که «وحی از جهت بالا (آسمان) حرکت می‌کند و به قلب پیامبر منتهی می‌شود» (ابیاری، ۱۴۰۵، ۹: ۲۴۲)؛ از این رو فعل (أنزل) یک فعل با معنای ثانوی محسوب می‌شود که به سبب ارتباط بین دو معنا در قالب مقولات شعاعی قرار می‌گیرد.

۳-۵. أمطرَ

بارش باران و نزول رحمت الهی یک پدیده طبیعی و حیات‌بخش برای انسان است که در قرآن کریم مکرراً به آن اشاره شده است. در برخی از آیات قرآن کریم خداوند متعال موضوع بارش باران و تأثیر آن بر رویش و بالندگی کره خاکی را با تصویرسازی مطرح می‌کند؛ بدین گونه که با ذکر فعل حرکتی (أنزل) و مؤلفه‌های حرکتی به جای فعل (أمطرَ)، جریان حرکتی و جهت حرکت پیکر (ماء/ آب) از آسمان به زمین را بیان می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: (وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ) (الأنعام / ۹۹).

بر مبنای تفسیر سواطع الإلهام فی تفسیر القرآن درباره این شاهد قرآنی، فعل حرکتی (أنزل) بر معنای (أمطرَ) دلالت می‌کند و در قالب معنای حاشیه‌ای (بارش باران) دیده می‌شود (فیضی دکنی، ۱۴۱۷، ۲: ۲۴۷). این فعل حرکتی در قالب فعل‌های چندمعنایی قرار می‌گیرد؛ زیرا به واسطه هم‌نشینی با (السماء) و (ماء) وسعت معنایی پیدا می‌کند و مفهومی انتزاعی می‌یابد. اما آنچه این فعل حرکتی را در زمره مقولات شعاعی قرار می‌دهد انتقالی بودن هر دو مفهوم حرکتی و تشابه مسیر آنها است که دو معنای کانونی و حاشیه‌ای را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

۴-۵. أعطى / وهب / أنفق

یک فعل حرکتی با اشاره به یک جریان حرکتی انتقالی، دلالت بر حرکت ملموس پیکر می‌کند و کارکردی مادی دارد و یا اینکه کارکردی غیر ملموس و ذهنی دارد. در قرآن کریم، حرکت ذهنی و غیر مادی فعل (أنزل) در قالب نزول کلام خداوند و اصول و احکام نمود پیدا کرده است. اما در بعضی از آیات قرآنی، این فعل حرکتی از یک وسعت معنایی برخوردار است و با دلالت بر معنای مجازی

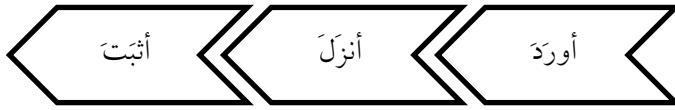
(أعطى / عطا کرد، داد)، (وهب / بخشید)، و (أنفق) کارکردی مادی و محسوس دارد. در این جا به تفکیک به شواهد قرآنی اشاره خواهیم کرد.

شواهد قرآنی	چندمعنایی (أَنْزَلَ)
(قَالَ رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ) (القصص / ۲۴)	دلالت فعل حرکتی (أَنْزَلَ) بر معنای (أعطى)، و (وهب) (ر ک: فضل الله، ۱۴۱۹، ۱۷: ۲۸۵)
(ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا) (آل عمران / ۱۵۴)	دلالت فعل حرکتی (أَنْزَلَ) بر معنای (وهب) (ر ک: طبرسی، ۱۳۶۰، ۴: ۳۰۲)
(وَ صَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْ لَّا أَنْزَلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ) (هود / ۱۲)	دلالت فعل حرکتی (أَنْزَلَ) بر معنای (أنفق) (ر ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ۱: ۵۳۲)

در این آیات فعل (أَنْزَلَ) بر مفاهیم مجازی دیگری دلالت می‌کند و کارکردی مادی دارد و گویی پیکرها (نعمت‌ها)، (آرامش)، و (گنج) اجسامی مادی با توانایی حرکت کردن هستند و قابلیت بخشیدن و عطا کردن به دیگری را دارند. نکته مهم دیگری که در این چندمعنایی دیده می‌شود، حلقه ارتباطی فعل حرکتی (أَنْزَلَ) با مفاهیم حاشیه‌ای آن است یعنی همه این مفاهیم دلالت بر یک رویداد حرکتی دارند و مفاهیم حاشیه‌ای نیز لزوماً دارای شاخصه‌های دهنده، گیرنده، و پیکر هستند. با این تفاوت که برخلاف معنای اصلی، در مفاهیم حاشیه‌ای بر مسیر تاکید نیست و پیکر و زمینه مهم‌تر تلقی می‌شوند؛ به بیانی دیگر، معنای اصلی و کانونی فعل (أَنْزَلَ) یک مفهوم حرکتی انتقالی و مسیرنما (از جهت بالا به پایین) محسوب می‌شود ولی مفاهیم انتزاعی منحصر به یک مفهوم حرکتی پویا و انتقالی (بدون محدودیت جهت و مسیر حرکت) است. بنابراین در این آیات، آنچه که فعل حرکتی را مهم و قابل توجه می‌نماید چند معنایی و ارتباط مفاهیم کانونی و انتزاعی آنها است که به واسطه جریان حرکتی در قالب مقوله‌بندی شعاعی مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

۵-۵. أورد / أثبت

به دنبال سلسله معانی که تاکنون اشاره شد، دو معنای مجازی دیگر (أورد / وارد کرد) و (أثبت / ثابت کرد) یافت می‌شود. با توجه به معنای دو فعل استنباط می‌شود که این دو فعل و (أَنْزَلَ) به واسطه حرکت و انتقال از نقطه اولیه و ثابت شدن و ماندگاری در نقطه پایان، به صورت چند لایه‌ای با یکدیگر مرتبط هستند:



آیه شریفه (وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ) (الأنعام / ۹۳)، نمونه‌ای از شواهد چندمعنایی (أُنزِلَ) است که به سبب هم‌نشینی کلمات و اشاره به ادعای دروغین کافران و نزول آیه از سوی آن‌ها، وسعت معنایی پیدا کرده است. بر مبنای تفسیر سواطع الالهام فی تفسیر القرآن، «فعل (أُنزِلَ) دلالت بر (أوردُ/ وارد می‌کنم)، (أُكَلِّمُ/ سخن می‌گویم)، و (أحررُ/ بنویسم) می‌کند و این معانی برای ادعای بی‌پایه و اساس نزول آیات مانند فرستادن آیات توسط حضرت محمد^(ص) است» (فیضی دکتی، ۱۴۱۷، ۲: ۲۴۴). در این آیه مشخص، استنباط می‌شود که فعل (أُنزِلَ) در قالب یک معنای گسترده‌تر ظاهر شده است، بدین معنا که مفهوم حرکتی (وارد کردن) دلالت بر مسیر حرکت نمی‌کند و به واسطه کاهش مؤلفه حرکتی و تعمیم گستره حرکتی، از مفهوم (نازل کردن) که شاخصه مسیر در آن مفهوم‌سازی شده است، پیشی می‌گیرد.

فعل حرکتی (أُنزِلَ) از مبدأ به سوی مرجع حرکت می‌کند تا در زمینه به ثبات برسد. مرحله پایانی حرکت نزول در آیه مبارکه (وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ) (الأنبياء / ۵۰) نمود پیدا کرده است. در این جا با توجه به الفاظ و معنای ظاهری کلمات تصور می‌شود که فعل حرکتی (أُنزِلَ) به معنای نزول از آسمان به پایین است. اما با اندکی تأمل معنای انتزاعی و غیر اصلی آن یعنی (أُتْبِتَ) و ثبوت در زمینه دریافت می‌شود. از این رو می‌توان ارتباط دو مفهوم کانونی و حاشیه‌ای (أُنزِلَ) را در مؤلفه زمینه و ماندگاری پیکر در زمینه حرکت قلمداد کرد.

بنابراین، فعل حرکتی (أُنزِلَ) یک مقوله مفهومی قلمداد می‌شود که علاوه بر معنای کانونی آن، یعنی جریان حرکت پیکرها از جانب خداوند به سوی مخلوقات، دلالت بر مفاهیم مرتبط دیگری نیز می‌کند که در آن‌ها نیز جریان حرکتی دیده می‌شود. از این رو ضمن توجه به بافت آیات و تاثیر هم‌نشینی واژگان، چندمعنایی فعل (أُنزِلَ) و مفاهیم کانونی و انتزاعی آن در قالب مقوله‌بندی شعاعی بررسی شد.

۶. نتیجه

فعل حرکتی ابزار مهم در جمله محسوب می‌شود که به واسطهٔ پویایی و مفهوم‌سازی رویداد حرکتی و همچنین مفاهیم انتزاعی، مورد اهتمام زبان‌شناسی شناختی واقع گردیده است. بر مبنای نظریهٔ حرکتی لئونارد تالمی، در مفهوم‌سازی فعل حرکتی شاخصه‌های جزء حرکتی، پیکر، مسیر، و زمینه نقش اساسی دارند. فعل (أَنْزَلَ/ فرود آمد) گزاره‌ای حرکتی است که با توجه به محوریت و نقش مؤثر مؤلفهٔ مسیر در کیفیت حرکت، فعل (أَنْزَلَ) یک رویداد حرکتی مسیرنما محسوب می‌شود و در این رخداد حرکتی پیکر به عنوان یک موجودیت و شیء حرکتی مسیر نزولی و رو به پایین را به سوی مقصد یا به اصطلاح زمینه طی می‌کند. این فعل حرکتی که بسامد آن در قرآن کریم به بیش از ۱۲۰ مورد می‌رسد، متناسب با کارکرد حرکتی آن غالباً بر حرکت غیر مادی و ذهنی مانند نزول کلام خداوند و احکام و قوانین دین دلالت می‌کند.

در فعل (أَنْزَلَ)، جزء حرکتی بیانگر مفهوم کلی حرکت و انتقال پیکر از مبدأ به سوی مقصد است؛ از این رو، بدیهی‌ترین شاخصهٔ فعل (أَنْزَلَ) محسوب می‌شود. در آیات قرآن، میزان مجاورت جزء حرکتی با سایر مؤلفه‌های حرکت متناسب با میزان اهمیت پیکر، زمینه و مسیر است. بررسی وجه غالب طرحوارهٔ حرکتی فعل (أَنْزَلَ) نشان می‌دهد که کنش‌گر در تمامی شواهد واحد است و رویداد حرکت فقط به واسطهٔ خداوند متعال تحقق می‌یابد، غیر از یک شاهد قرآنی که بیانگر دروغ کافران و ادعای پوچ نزول آیه توسط انسان است. در جریان حرکت نزولی، پرتکرارترین پیکرها یعنی: کلام خداوند_وحی و کتاب‌های آسمانی_ (۸۸ مرتبه)، آب و باران (۹ مرتبه) موجودیتی عینیت یافته و انتزاعی هستند که مسیر حرکتی را به سوی زمینه می‌پیمایند.

هرچند که مسیر نزولی و رو به پایین در فعل مسیرنما (أَنْزَلَ) مفهوم‌سازی شده است اما در (۸۶) طرحوارهٔ حرکتی، فعل به همراه حروف اضافهٔ مسیرنما ترکیب شده است. در برخی از آیات قرآن فعل (أَنْزَلَ) با دو حرف اضافهٔ (مِنْ+إِلَى) و یا (مِنْ+عَلَى) ترکیب شده است که تأکیدی بر آغاز و پایان این مسیر حرکتی است. هدف از این تکرار لفظی و ذکر حرف اضافهٔ (مِنْ) تأکید بر مبدأ و ذات اقدس الهی است؛ قمر (إِلَى) به معنای منتهی شدن به زمین و مخلوقات است؛ (عَلَى) به واسطهٔ مفهوم لفظی آن، تأکیدی بر مفهوم استعلا و نزول رحمت از سوی خداوند متعال است.

به طور کلی، زمینه و مقصد نهایی حرکت در فعل (أنزل) کرهٔ خاکی و انسان‌ها هستند؛ در آیاتی که پیکرها نعمت‌ها، معجزات، و دلیل و برهان هستند، زمینه و مقصد حرکت پیامبران (۶۴ مرتبه) و مؤمنان (۱۵ مرتبه)، یا مشرکین هستند، بدین صورت که متناسب با نوع پیکر، زمینهٔ حرکت نزولی افراد خاصی است. تحت تأثیر بافت آیات قرآن فعل (أنزل) نمونهٔ یک فعل پویا است که تحت تأثیر طرحواره‌های تصویری دلالت بر این معانی حاشیه‌ای می‌کند. فعل حرکتی (أنزل)، در آیاتی که ارجحیت با جزء حرکتی و مفهوم حرکت است دلالت بر مفهوم (أرسل)؛ در آیاتی که بیانگر نزول معارف ربانی از سوی خداوند بر قلب پیامبر است دلالت بر (أوحی)؛ در آیاتی که فعل (أنزل) کارکردی مادی دارد و اشاره به نزول نعمت‌های خداوند دارد، دلالت بر (أمطر)، (أعطی)، (أنفق)، و (وهب) دارد؛ و در نهایت، در آیاتی که فعل حرکتی بر مؤلفهٔ زمینه و ثبوت پیکر در مقصد تأکید دارد، دلالت بر معنای حاشیه‌ای (أورد)، و (أثبت) می‌کند.

منابع

فارسی

قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی تا)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۲. ابوالحسنی چیمه، زهرا، (۱۳۹۰ ش)، «انواع نمود واژگانی در افعال فارسی»، مجله ادب فارسی، دانشگاه تهران، دوره ۱، شماره ۶، صص ۱۰۱-۱۲۰.
۳. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدجعفر یاققی و محمدمهدی ناصح، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۴. ابوزهره، محمد، (لاتا)، زهرة التفاسیر، بیروت، دار الفکر.
۵. ایباری، ابراهیم، (۱۴۰۵ ق)، الموسوعة القرآنیة، القاهرة، موسسه سجل العرب.
۶. جزایری، ابو بکر جابر، (۱۴۱۶ق)، أیسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، المدینة، مکتبه العلوم والحکم.
۷. حسینی شیرازی، سید محمد، (۱۴۲۴ ق)، تقریب القرآن إلى الأذهان، بیروت، دار العلوم.
۸. حسینی همدانی، سید محمد، (۱۴۰۴ ق)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تحقیق محمد باقر بهبودی، چاپ اول، تهران، کتاب فروشی لطفی.
۹. داود، محمد، (۲۰۰۲ م)، الدلالة والحركة: دراسة لأفعال الحركة في العربية المعاصرة في إطار المنهج الحديث، القاهرة، دار غریب.
۱۰. راسخ مهند، محمد، (۱۳۹۳ ش)، درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم، چاپ چهارم، تهران، سمت.
- شریفی، لیلا، (۱۳۸۸ ش)، «رویکردی شناختی به یک فعل چند معنای فارسی»، تازه‌های علوم شناختی، موسسه آموزش عالی علوم شناختی، سال ۱۱، شماره ۴، صص ۱-۱۱.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰ ش)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق رضا ستوده، چاپ اول، تهران، انتشارات فراهانی.
۱۲. طیب، سید عبد الحسین، (۱۳۷۸ ش)، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام.

۱۳. فضل الله، سیدمحمد حسین، (۱۴۱۹ ق)، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک للطباعة والنشر.
۱۴. فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۴۱۸ ق)، *الأصفي فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمدحسین درایتی و محمدرضا نعمتی، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۵. فیضی دکنی، ابوالفضل، (۱۴۱۷ ق)، *سواطع الالهام فی تفسیر القرآن*، تحقیق سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، قم، دار المنار.
۱۶. گلفام، ارسلان؛ افراشی، آزیتا؛ مقدم، غزاله؛ (۱۳۹۲ ش)، «مفهوم سازی افعال حرکتی بسیط زبان فارسی: رویکردی شناختی»، *فصلنامه مطالعات زبان ها و گویش‌های غرب ایران*، دانشگاه رازی، سال ۱، شماره ۳، صص ۱۰۳-۱۲۲.
۱۷. ملاحویش آل غازی، عبدالقادر، (۱۳۸۲ ق)، *بیان المعانی*، دمشق، مطبعة الترقی.
۱۸. میرخالقداد، فاطمه، حسومی، ولی الله، (۱۳۹۷ ش)، «تحلیل کارکرد افعال حرکتی در قرآن با رویکرد افعال شناختی»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، دانشگاه امام صادق، سال ۱۲، شماره ۲۴، صص ۱۰۳-۱۳۳.
۱۹. میرزا خسروانی، علی رضا، (۱۳۹۰ ق)، *تفسیر خسروی*، تحقیق محمد باقر بهبودی، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامی.

انگلیسی

۲۰. Talmy, Leonard, (2000), *Toward a cognitive semantics*, London: Asco typesetters.

An Analysis of the Application of the Dynamic Verb "Anzala" in the Qur'an Based on the Linguistic Theory of Talmy¹

Zohreh Behrouzi²

Rasoul Balavi³

Ali Khezri⁴

Action is an important and effective element in conceptualization embodied in a sentence by virtue of the verb as a dynamic constituent. Leonard Talmy, the renowned linguist in the field of cognitive semantics, believes that dynamic verbs are the results of four motive, figure, ground, and directional components. In the Holy Qur'an, the dynamic verb "anzala" is a directional verb which has a high frequency because of its usage in topics related to the sending down of the Qur'an and mercy unto people. This study aimed to analyze the function of the verb "anzala" in the Holy Qur'an, relying on cognitive linguistics and Talmy's theory of motion. The results show that this verb has a descending direction. The agent of all instances of the dynamic verb "anzala" is the same and it is God who causes the descending motion. The descending motion has a subjective function so that the figures in the form of objectified existences travel in the descending direction toward the ground, namely, the earth and the creatures. Additionally, due to its semantic extent and the connection of its marginal and focal meanings, the verb "anzala" depicts a cognitive schema

Keywords: the Holy Qur'an, cognitive linguistics, image schema, radial category, the verb "anzala"

1. Date Received: January 26, 2020; Date Accepted: April 28, 2020

2. PhD Student of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University; Email: zohreh.behroozi@yahoo.com

3. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University; Email: r.ballawy@pgu.ac.ir

4. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University; Email: alikhezri84@yahoo.com